

متن پرسش

سلام استاد وقت بخیر: ببخشید مزاحم میشم درد دلی بود که نمیدونستم کجا عرضه کنم. استاد از زمانی که با مباحث معرفت النفس آشنا شدم (حدودا سه سال) از هیچ چیز این دنیا لذت نمی‌برم بی نشاط شدم وقتی تفریح میرم تو همون لحظه خوشی چون میدونم همین لحظه و ماندنی نیست دوباره غمی وجودم رو میگیره. می‌خندم اما غم دارم. از رابطه با همسر، به غذا هم همینطور اصلا میل ندارم یه ذره که غذا می‌خورم احساس می‌کنم شبیه احمقا شدم از این ور رونده شدم و از طرفی دیگه مونده تو مسائل معنوی هم باز لذت نمی‌برم اگه ببرم باز موندنی نیست همه امیدم به نماز بوده اما تو این چندسال توفیقی نداشتم. اگه نماز معراج مومن هست پس باید سیری که نبی اکرم (ص) داشت ما هم داشته باشیم اما ندارم. سعی می‌کنم هر روز به روضه امام حسین (ع) پناه ببرم. چه کنم استاد ۲۷ سال از عمرم گذشت ولی هنوز نماز درست نتونستم بخونم احساس معلق بودن دارم دوست دارم بمیرم اما وظایفم رو به‌عنوان یه معلم و عشقی که به امام خمینی (ره) دارم و ایشون رو الگو میدونم انجام ندادم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا متوجه نباشیم با این دیانت و همین عبادات در کنار پیامبر خدا هستیم؟ بحث‌های «با دعا در آغوش خدا» را حتی‌الامکان دنبال فرمایید. موفق باشید